

مبلغ و ارسنه

آیت الله برهان رحمه الله



محمد تقی ادهم نژاد

تولد و تحصیلات

یکی از چهره‌های بسیار موفق در تسبیخ دین خدا، عسالم ربانی و خودساخته، آیت الله حاج شیخ علی اکبر برهان رحمه الله است. وی در سال ۱۳۲۴ قمری در تهران و در میان خانواده‌ای متدین، پای به عرصه حیات گذاشت.

آن بزرگوار، مقدمات و مقداری از سطح اولیه علوم الهی را در تهران و نزد استادان مبرز چون: آقای سید محمد قیصر، آقای شیخ علی رشتی و سید محمد استرآبادی فراگرفت و سپس برای ادامه تحصیل، رهسپار نجف

اشرف شد و به مدت ۳ سال نیز در این شهر اقامت گزید و مقداری از کتب متداول درسی آن عصر را نزد آیت الله شیخ مرتضی طالقانی و آقا میرزا محمد عراقی تلمذ کرد. آن‌گاه به ایران مراجعت و به مدت یک سال نیز در تهران اقامت داشت و به تحصیل و کسب دانش پرداخت.

وی برای درک و بهره‌مندی از فضای علمی حوزه تازه تأسیس علمیه قم، وارد این شهرستان مذهبی شد و توانست سطوح عالی فقه و اصول را نزد عالم جلیل‌القدر، مرحوم آیت الله حاج شیخ محمدعلی حائری قمی به

۳. شیخ محمدکاظم شیرازی؛

۴. سید محمود شاهرودی؛

۵. سید علی آقای قاضی.^۲

میرزا علی اکبر برهان، بعد از استوار کردن مبانی علمی و اخذ اجازات عالیة اجتهاد و نیل به مقامات والای علمی و سیر و سلوک عرفانی، همانند بسیاری از عالمان به تدریس سطوح پرداخت و جمعی از افاضل برجسته را در مکتب علمی خویش پروراند.

مراجعت به تهران

زمانی که آن مرد بزرگ در نجف اشرف مشغول تحصیل و تدریس و تکمیل معلومات و معارف علوم الهی بود، اوج بیدادگریهای ظالمانه و ضددینی حکومت رضاخان در ایران به ششمار می رفت. مدارس دینی، تخریب یا متروک شده بود و به بهانه مستحذالشکل شدن لباسها، لباس

اتمام برساند. آن گاه برای عمق بخشیدن به معلومات خود و نیل به اهداف والای علمی و معنوی وارد جلسات درسی خارج فقه و اصول اعظم بزرگ حوزه مبارکه قم شد.

اساتید فرزانه وی عبارت اند از، حضرات آیات عظام:

۱. حاج شیخ عبدالکریم حائری

یزدی رحمته؛

۲. حاج سید محمدتقی

خوانساری رحمته؛

۳. حاج سید محمد حجت

کوه کمره ای رحمته؛

۴. حاج شیخ مهدی

مازندرانی رحمته.^۱

مهاجرتی دوباره به نجف اشرف

او برای بهره گیری بیش تر از فضای علمی و معنوی حوزه کهنسال نجف اشرف، بار دیگر عازم عتبات عالیات شد. در نجف اشرف، رحل اقامت افکند و از محضر فرزندگان و عالمان آن سامان بهره برد که عبارت اند از آیات عظام:

۱. سید ابو الحسن اصفهانی؛

۲. میرزا محمدحسین نائینی؛

۱. شرح حال بزرگان و اساتید مرحوم آیت الله برهان در مجموعه «گلشن ابرار» تألیف جمعی از پژوهشگران پژوهشکده علمی، کاربردی باقر العلوم رحمته به تفصیل آمده است.
۲. همان.

مقدس روحانیت را پاره کرده، چادرهای زنان مسلمان را از سر آنان برمی‌داشتند و با اعمال کارهای ضد دینی، روحانیت را منزوی و چهره‌های شاخص آنان را تبعید و یا توسط ایادی رضاخان به طرز مشکوکی به شهادت می‌رساندند که مرحوم آیت الله سید حسن مدرس علیه السلام یکی از شاخص‌ترین آنها بود.

پس از سقوط رضاخان در شهریور ۱۳۲۰ شمسی عالم مجاهد آیت الله برهان علیه السلام از جمله کسانی بود که بدون تأخیر، وارد عرصه‌های اجتماعی - دینی شد. آن بزرگوار، بی‌درنگ به تهران آمد و با این نیت که احداث و تأسیس مدارس دینی و تربیت طلاب متعهد و بازسازی اوضاع دینی و مذهبی در آن زمان حساس برای ایران کاری بسیار ضروری است، در این شهر رحل اقامت افکند و برای احیای علوم اسلامی بسیار کوشید.

او مدارس علمیه‌ای را تأسیس کرد و نیز مدارس پسرانه و دخترانه‌ای برای آموزش و پرورش نوباوگان

اسلامی احداث کرده، شاگردان با فضیلتی را در دامن پر مهر و محبت خویش پروراند. آن عالم وارسته، برای کمک به نیازمندان و محرومان، صندوق قرض الحسنه‌ای را راه‌اندازی کرد و با مواعظ و نصایح مؤثرش، باعث هدایت گمراهان و منحرفان شد. مهم‌ترین فعالیت‌های دینی، اجتماعی و فرهنگی آیت الله برهان عبارت‌اند از:

۱. مسجد و مدرسه علمیه لرزاده، واقع در خیابان لرزاده، نزدیک میدان خراسان که از مهم‌ترین پایگاه‌های مذهبی مهم در تهران به شمار می‌روند. بعد از رحلت آیت الله برهان در سال ۱۳۴۰ شمسی، آیت الله حاج شیخ علی فلسفی تنکابنی و استاد عمید زنجانی از ائمه جماعت این مسجد با عظمت بوده‌اند.

۲. مدرسه علمیه برهانیه، جنب حرم مطهر حضرت عبد العظیم الحسنی علیه السلام که دارای سبکی جدید است و ۳۴ حجره دارد. این بنا، در دو طبقه با همه امکانات رفاهی آن زمان به دست با کفایت معظم له احداث شد.

۳. دبستان و دبیرستان دخترانه و پسرانه برهان که برای پرورش و آموزش پسران و دختران مسلمان پدید آمد.

۴. تربیت و پرورش شاگردان نامدار و با فضیلت که برخی از آنها عبارت‌اند از:

مرحوم حاج شیخ احمد مجتهدی تهرانی، حاج آقا مجتبی تهرانی، حاج شیخ محمد رضا مهدوی کنی، حاج سید محمد حسین مرتضوی لنگرودی، حاج سید محمد حسن مرتضوی لنگرودی، حاج شیخ علی پهلوانی معروف به سعادت پرور، حاج شیخ حسین انصاریان.

آیت الله مهدوی کنی درباره روش تربیتی استادش می‌گوید: «واقعاً نفس ایشان و روش تربیتشان در افرادی که با ایشان ارتباط داشتند، خیلی مؤثر بود. غالباً طلبه‌های ایشان که به قم می‌رفتند، انگشت‌نما بودند؛ یعنی نشان می‌دادند که اینها طلبه‌های آقای برهان هستند؛ زیرا هم اخلاقشان، هم درسشان خوب بود و رفتارشان با طلبه‌های دیگر فرق

داشت. این آثاری بود که ایشان گذاشت. واقعاً هم تعداد زیادی از طلاب را تربیت کرد که بعضی از آنها الآن در قید حیات هستند.»^۱

۵. تأسیس صندوق قرض الحسنه در مسجد لرزاده: حاج شیخ حسین انصاریان واعظ شهیر تهران در این باره می‌گوید: «مرحوم آیت الله برهان با تمام وجود در اختیار مردم بود. وی از مؤسسان اولیه صندوقهای قرض الحسنه محسوب می‌شود که به شکل کنونی در آمده است. مرحوم برهان و اطرافیان او صندوق قرض الحسنه مسجد لرزاده را تأسیس کردند که از اولین صندوقهای قرض الحسنه ایران بود. علاوه بر خدمات ارزنده ایشان از طریق مسجد، مدرسه دخترانه و پسرانه و حوزه‌های علمیه، هر کس هم برای حل هر مشکلی به ایشان مراجعه می‌کرد، لفظ «نه» از این مرد بزرگوار نمی‌شنید.»^۲

۱. خاطرات آیت الله مهدوی کنی، تدوین دکتر غلامرضا خواجه‌سروی، تهران، مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۸۵ ش، ص ۶۱.

۲. خاطرات حجت الاسلام والمسلمین حاج

علمی و دینی این عالم ربانی و مهذب و خودساخته را از زبان شاگردان آن مرحوم در ذیل می‌آوریم:

۱. اخلاق محفدی و هدایت عملی

آقای حاج شیخ حسین انصاریان می‌گوید: «در اوان طفولیت من، در خیابان خراسان، مسجدی قرار داشت که مسجد لرزاده نامیده می‌شد و به دست عالمی ربانی به نام آیت الله حاج شیخ علی‌اکبر برهان بنا شده بود. وی در نجف درس خوانده و در سیر و سلوک عرفانی، تحت تأثیر عالم بزرگ ربانی، سید علی قاضی بود. حاج آقا برهان، عارفی شیعی و متمسک به قرآن کریم و روایات ائمه اطهار علیهم‌السلام بود. مسجد به برکت وجود این مرد خدا غرق در معنویت و منبع فیاضی برای اهالی محله بود و همه، مجذوب خلق و خوی نیکوی امام جماعت آن شده بودند.

آیت الله برهان هر روز، ساعتی قبل از نماز به مسجد می‌آمد و به

آیت الله برهان هر روز، ساعتی قبل از نماز به مسجد می‌آمد و به نظافت و آراستن مسجد می‌پرداخت. هنگامی که مردم برای نماز می‌آمدند، مسجد را مانند دسته گل، تر و تازه و آراسته می‌دیدند

۶. آثار قلمی و تألیفات: مرحوم آیت الله برهان علاوه بر خدمات اجتماعی، خدمات علمی و آثار قلمی چندی از خویش به یادگار گذاشته است که عبارت‌اند از: ۱. رساله‌ای در عدالت؛ ۲. تعلیقه‌ای بر مکاسب؛ ۳. تفسیر سوره یوسف موسوم به «احسن المجالس»؛ ۴. بشائر النبویه؛ ۵. رساله‌ای در حدیث ایام؛ ۶. ربیع الابرار؛ ۷. پریشان‌نامه.

اوصاف و کمالات

اوصاف و ویژگیهای اخلاقی،

شیخ حسین انصاریان، تدوین آقایان: دهقانی اشکذری، کرمی‌پور، نیک‌بخت، تهران، مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۸۲ ش، ص ۳۹.

نظافت و آراستن مسجد می پرداخت. هنگامی که مردم برای نماز می آمدند، مسجد را مانند دسته گل، تر و تازه و آراسته می دیدند. نماز جماعت، همواره با شکوه برگزار می شد و روحانیت و نورانیت آن، تمام نمازگزاران را در بر می گرفت. آن مرحوم هر شب پس از نماز با بیان گیرای خود، حدود نیم ساعت موعظه می کرد و مردم را به فیض می رساند. آن قدر سخنان ایشان جذاب بود که افراد غیر متدین را نیز به شدت تحت تأثیر قرار می داد. بدین ترتیب محله ما محله ای پاک و معنوی شده بود. در این محله به احترام ایشان، از انجام بسیاری از اعمال مستهجن که در محله های دیگر انجام می گرفت، اجتناب می شد. از سال ۱۳۴۰ شمسی تا به حال که او از دنیا رفته است، کمتر کسی را مثل او یافته ام؛ نه اینکه نباشد، حتماً هست؛ اما من نمونه ایشان را کمتر دیده ام. او خوش اخلاق، پرجاذبه و در راه امر به معروف و نهی از منکر بسیار جدی و کوشا بود. حتی شرورترین افراد محله های پایین شهر تهران را نیز با

گفتاری خوش و ملایم به راه راست هدایت کرد. با ارشاد ایشان، خیلها از کارهای زشت دست کشیده، اهل طاعت و عبادت و نیکوکاری شدند. آنها در نماز جماعت حضور یافته، حتی بعضیها نماز شب هم می خواندند. افراد آن چنانی که مثلاً سراپای بدن خود را خالکوبی کرده بودند، از نفَس گرم و کرامت مرحوم آقای برهان، اهل خیر و منشأ کارهای نیک شده و به انسانهایی بزرگوار مبدل گشته بودند»^۱

۲. علوهفت

آیت الله مهدوی کنی درباره رمز موفقیت و پشتکار و همت والای استادش می گوید: «بعد از سقوط حکومت پهلوی در شهریور ۱۳۲۰، به تدریج، مدرسه های دینی در تهران راه افتاد که یکی از آنها، مدرسه لرزاده بود که مرحوم برهان، نخستین استاد ما، آن را تأسیس کرد. تقریباً نزدیک میدان خراسان و اطرافش بیابان و زمینهای کشاورزی اهالی دولاب و به یک معنا

۱. خاطرات حجت الاسلام والمسلمین حاج شیخ حسین انصاریان، ص ۳۸ و ۳۹ با تلخیص.

خارج از منطقه اصلی تهران بود که ایشان آن مسجد را ساختند و در صحن این مسجد کوچک، ده تا حجره کوچک درست کرده بودند.

در مورد مرحوم آقای برهان باید بگویم ایشان، عالمی عارف، مربی و اهل معنا بودند و از نظر تربیتی روش خیلی خوب و مؤثری داشتند. ایشان با اینکه از علمای درجه یک تهران نبودند و از نظر علمی نسبت به علمای بزرگی که در آن زمان در تهران بودند شاخص نبود، با این حال با دست خالی در آن گوشه تهران، آن مسجد و مدرسه را ساختند.

ایده ایشان این بود که طلبه تربیت کند و لذا با همان مدرسه کوچک، هفتاد، هشتاد تا طلبه داشتند که از تهران و شهرهای مختلف گرد آمده بودند. ایشان، در تربیت طلبه، دو چیز را خیلی مهم می دانستند: یکی درس خواندن به همان شکل سابق و دیگری هم تقید به مسائل معنوی، عبادت و نوافل.

ایشان در این مورد، یعنی نوافل، خیلی مقید بودند. از همان اول طلبگی،

شرایطی را برای طلبه ها ذکر می کردند؛ از جمله اینکه طلبه ای که اینجا می آید باید نوافلش ترک نشود. از خصوصیات که ایشان داشتند، توسل به اهل بیت بود که آن را از لوازم زندگی معنوی طلاب می دانستند و اصرار داشتند که هفته ای یک شب، روزه خوانی و بعد هم با سایر نمازگزاران مسجد، سینه زنی داشته باشیم. خود ایشان هم که چراغ خاموش می شد در مجلس عزاداری شرکت می کردند.

علاوه بر اینها، ایشان به مسئله موعظه تقید داشتند و هر شب پس از نماز، مردم را موعظه می کردند. به یاد دارم که می گفتند انسان به موعظه نیاز دارد؛ یا باید موعظه بکند یا موعظه بشود. هر دو در آدم مؤثر است. می گفتند که انسان، مثل آن فیل سرکش می ماند که باید همیشه چکش بالای سرش باشد تا غفلت نکند.^۱

۳. توسل به اهل بیت (علیهم السلام)

آن مرحوم، عشق و اخلاص

۱. خاطرات آیت الله مهدوی کنی، ص ۶۰.

هوای روی تو کرده مرا نی
 ز کویت کی روم دست تهی کی
 تو آن شاهی که شاهان اند گدایت
 عطایت می رسد بر من پیایی
 ولی یک غم مرا آزرده کرده
 که عقم می زند هر دم مرا هی
 از آن ترسم که ای شاه زمانه
 که گردد مدفن من عاقبت (ری)
 غم دیگر از این غم هم فزونست
 نه بینم روی تو عمرم شود طی
 مدد فرما که تا من آنچه دارم
 به غیر یار سازم جمله راقی
 که تا با این و آن من همنشینم
 محالست دیدن من صورت وی
 بلی مشکل بود این کار لیکن
 شود آسان چه بر حسنش برم پی
 زبان بر بند عاصی، چشم بگشا
 که یارت در مقابل جام پر می
 ببیند هر که گلزار رخسار را
 شکایت کی کند از موسم دی
 همین یک لحظه آن سرور نظر کرد
 ز بانم گشته شکر بار چون نی

فوق العاده ای به اهل بیت عصمت علیهم السلام
 داشتند و در تمام موالیید و اعیاد و
 و فیات ائمه علیهم السلام مجلس جشن و
 سوگواری با شکوهی تشکیل می دادند
 و خود در مدح آنان اشعاری
 می سرودند.

مرحوم آیت الله مجتهدی در
 این باره می گوید: «علت موفقیت من،
 همین مجالس توسل در کنار درسهای
 طلبگی است. وقتی هم نزد استادمان
 حاج شیخ علی اکبر برهان در تهران در
 مسجد لرزاده بودیم، ایشان هفته ای
 یک شب سینه زنی برقرار می کردند و
 می فرمودند: «من هر چه دارم از همان
 روضه ها و سینه زنیها که برای اهل بیت
 گرفته ام، می باشد.»^۱

آن عالم متخلق، عشق و علاقه
 و افری به حضرت مهدی علیه السلام داشت.
 آن بزرگوار پس از زیارت حرمین
 عسکرین علیهم السلام و سرداب مقدس
 ولی عصر (عج)، موقع بیرون آمدن از
 سرداب مقدس و هنگام وداع در پای
 پله های سرداب سامرا، بداهة این
 اشعار را سروده اند:

۱. آداب الطلاب (زندگی نامه و بیانات حاج آقا
 مجتهدی تهرانی)، شاکر برخوردار فرید، تهران،
 چاپخانه قلم گستر، ۱۳۷۹ ش، ص ۱۳۶.

مسائلی است که شاید خلاف شرع نباشد، ولی خلاف عرف جامعه است و عوام الناس از انجام آنها، توسط ما روحانیون خوششان نمی آید. ما هم برای اینکه مردم به دین و روحانیت علاقمند شوند و طرد نشوند باید اینها را مراعات کنیم.

روحانی نباید با کسی که به دین و دستورات آن اهمیت نمی دهد معاشرت کند یا چنین افرادی در منزل او رفت و آمد کنند؛ مگر اینکه قصد راهنمایی او را داشته باشد. استاد ما حاج شیخ علی اکبر برهان می فرمودند: «روزی به خانه رفتم و متوجه شدم که عده ای میهمان از طرف آشنایان و فامیلهای همسرم تشریف دارند و بعضی از آنها بدون رعایت اینکه ما روحانی و آخوند هستیم و مردم از ما بیش از دیگران توقع دارند، با ظاهری که با عرفیات طلبگی ما مناسب نبود حضور داشتند، لذا به اهل بیت گفتم که برای آنها توضیح دهید که متوجه

از آن دم حال من حال دگر شد
همه عالم به نزدم گشته چون فی^۱
آیت الله مهدوی کنی در این باره می گوید:

«ایشان طلبه های مدرسه را به طور دسته جمعی به عتبات مقدسه برد. در این سفر که دو ماه طول کشید. برنامه ویژه ای برای ما گذاشت. ده شب در مسجد کوفه بیتوته و اعتکاف کردیم. در نجف، برنامه اش این بود که هر روز ما را به دیدار یکی از علما و مراجع می برد. این سفر برای ما از نظر معنوی سفر بسیار خوبی بود. از آنجایی که گرایش زیادی به طلبه شدن در بین مردم وجود نداشت، ایشان سعی می کرد همان تعداد کم را نگه دارد.»^۲

۴. عرفیات طلبگی

آیت الله مجتهدی تهرانی رحمته الله در باره مراعات عرفیات طلاب می گوید: «عرفیات، غیر از اخلاقیات است. ممکن است شخص استاد اخلاق باشد، ولی از عرفیات هیچ نفهمد. باید استادی پیدا کرد که عرفیات را برای انسان بگوید. عرفیات یک سری

۱. گنجینه دانشمندان، محمد شریف رازی،

تهران، چاپ اسلامی، ۱۳۵۳ ش، ج ۳، ص ۳۹۷.

۲. خاطرات آیت الله مهدوی کنی، ص ۶۴.

که طلاب جوان، معاشرتهایشان محدود باشد.^۳
وی می گوید:

«آن مرحوم هفتاد، هشتاد طلبه داشت. مواظب بودند که ما به عنوان طلبه، پای منبرشان نشسته ایم یا نه؟ اگر یک شب نبودیم ما را مؤاخذه می کرد که دیشب چرا نیامدید؟»^۴

آن عالم و ارسته، همواره به طلاب علوم دینی در باره خصوصیات چند، همانند نیت خالص، برنامه های سحرگاهی، نیروی جاذبه، حافظه قوی، صبر و تحمل در برابر شداید و سختیهای گوناگون، تواضع، حلم و بردباری، توسل و بر خور داری از استاد اخلاق و... توصیه می کردند که فقط به برخی از آنها به صورت اختصار از زبان شاگرد بزرگوارش آیت الله مجتهدی علیه السلام اشاره می کنیم:

الف. طلبه باید علاوه بر درس خواندن، اهل نوافل و مستحبات و

باشوند و آنها هم الحمد لله متذکر شدند و بعد از این جریان، هر وقت به منزل ما می آیند آنها هم رعایت عرفیات را می کنند.^۱ و یا روزی که طلبه بودیم با معظم له به دیدار یک حاجی که تازه از مکه آمده بود، رفتیم. ایشان به ما فرمودند: «حق دست زدن به هیچ چیز را ندارید. کاری نکنید که بگویند: آخوند جزء مُطَهَّرات است و همه چیز را پاک می کند و می خورد. بنشینید و به هیچ چیز دست نزنید. بگذارید به زور به شما یک چیزی تعارف کنند.»^۲

۵. مراقبت از طلاب علوم دینی

آیت الله مهدوی کنی می گوید:
«پدرم دوست داشت که خطم خوب شود. نزد معلمی به نام زرین قلم در خیابان ناصر خسرو، کلاس خط می رفتم. آقای برهان متوجه شدند که من روزها از مدرسه بیرون می روم و از من پرسیدند: «شما چرا بیرون می روید؟» گفتم: «می روم خط بنویسم.» گفت: «نه، نه! بیرون نروید؟» زیرا نگران بودند مبادا محیط، ما را آلوده کند. ایشان خیلی مواظب بودند

۱. آداب الطلاب، ص ۱۳۵.

۲. همان، ص ۱۳۷.

۳. خاطرات آیت الله مهدوی کنی، ص ۶۱.

۴. همان، ص ۶۰.

تعریف می کردند؛ به مجرد اینکه استاد می فهمیدند که قصد غیبت دارند، دست روی زانوی آنها گذاشته و صلوات می فرستادند و بدین ترتیب طرف را ساکت می کردند.^۴

شهر فضیلتها

مرحوم آیت الله برهان با تمام وجود در اختیار مردم بود و به قدر توان خود، مشکلات مردم را حل می کرد. حجت الاسلام انصاریان می گوید: «ایشان یک حیاط ۵۰ متری با اتاقی ۳۰ متری بر خیابان لرزاده و کنار خانه اش ساخته بود که در آن به روی همه باز بود. تابستانها افرادی از طلاب و کسبه نجف به مسجد لرزاده می آمدند و در آن خانه اقامت می کردند. مرحوم برهان، صبحانه و ناهار و شام آنها را می داد و هیچ گاه نمی پرسید که چند روز می خواهند بمانند.

در مسجد، سه نوبت، نماز

تعقیبات نماز باشد. انسان باید عبادات مستحبی را در طول سال، حداقل یک بار هم شده «نوبر» کند و بچشد؛ مثل میوه ای که انسان هر سال «نوبر» می کند.^۱

ب. طلبه باید برنامه سحرگاهی داشته باشد. یک کارگر صبح تا ظهر کار می کند. ظهر چند دقیقه سرش را می گذارد زمین، خستگی او رفع می شود. دوباره تا شب کار می کند؛ ولی ما ساعتها می خوابیم؛ ولی باز حال بلند شدن نداریم. علتش این است که گناه، ما را خسته کرده است و نمی توانیم برای نماز شب بلند شویم.^۲

ج. ثواب زیاد است؛ ولی ثواب دان ما سوراخ است؛ یعنی فلان عمل را خوب به جای می آوریم و در عوض به ما ثواب هم می دهند؛ ولی عمل حرام دیگری را انجام می دهیم؛ مثلاً غیبت می کنیم و ثوابها هم می ریزد و از بین می رود.^۳

مرحوم آیت الله مجتهدی رحمته الله علیه

می گوید: «بعضی از افراد، نزد استاد ما حضرت آیت الله حاج شیخ علی اکبر برهان می آمدند و از مطلبی یا جریانی

۱. همان، ص ۱۸۷.

۲. همان، ص ۱۱۳.

۳. همان، ص ۳۹۹.

۴. همان، ص ۲۴۸.

خرید. مسجد لرزاده تقریباً شهر کوچکی بود که افراد مختلف از هر صنفی در آن حضور می یافتند.^۱

مدرسه کلاسیک برهان

حکومت پهلوی عمده اهداف ضد دینی خود را از طریق اداره آموزش و پرورش اعمال می کرد و با برپایی مجالس و محافل طاغوتی در صدد اسلام زدایی از نوباوگان مسلمان بود. در جنوب تهران، سه چهره روحانی در صدد مقابله با اهداف پلید و شیطانی رژیم برآمدند و با تأسیس مدارس کلاسیک و تربیت و پرورش فرزندان مسلمان، خدمات بزرگی را به اسلام و جامعه اسلامی ارائه کردند.

این سه چهره معروف عبارت اند از:

۱. آیت الله حاج شیخ عباسعلی اسلامی؛ او ۱۶۰ دبستان و دبیرستان در نقاط مختلف کشور به ویژه در تهران، تحت عنوان «جامعه تعلیمات اسلامی» تأسیس کرد.^۲

جماعت برپا بود. از هر صنف، بزاز، بقال، بنا، دکتر، مهندس و... برای نماز می آمدند. ایشان به همه سپرده بود که هر کاری دارید به یکدیگر مراجعه کنید؛ حتی برای ازدواج نیز تأکید داشتند که آنها از بین خود عروس و داماد پیدا کنند.

عده ای از پزشکان مرید حاج آقا پیشنهاد کرده بودند که اگر بیمار فقیری هست نزد ما بفرستید تا به رایگان او را درمان کنیم و در تهیه دارو به او کمک کرده و در صورت لزوم بستری اش نماییم. در اداره ها نیز حاج آقا مریدان زیادی داشت. هر کس کارش به بن بست می رسید، نامه ای از ایشان می گرفت و مشکل خود را حل می کرد.

اگر کتاب تازه ای چاپ می شد، به مؤلف آن می گفت که کتابهایت را به مسجد بیاور تا سفارش کنیم مردم بخرند. یکی از کسانی که کتابهایش را برای فروش به آنجا آورده بود، مرحوم فیض الاسلام بود که کتاب نهج البلاغه اش را که در شش جلد بود به آنجا آورد و جلدی پنج تومان فروخت. پدر من هم یک دوره از آن

۱. خاطرات حجت الاسلام انصاریان، ص ۴۰.

۲. برای اطلاع و آگاهی بیشتر ر.ک: جامعه تعلیمات اسلامی (آیت الله حاج شیخ عباسعلی

۲. عالم مجاهد آیت الله حاج شیخ جواد فومنی.

۳. حضرت آیت الله حاج شیخ علی اکبر برهان.

حجت الاسلام انصاریان می گوید: «جو مدرسه مرحوم برهان و روحیه معلم آن مدرسه، به گونه ای دیگر بود؛ یعنی پرورش فرهنگ اسلامی در روح و جان بچه ها و دور نگه داشتن از فرهنگ غرب، محور اصلی کار بود و مخالفت و مقابله با تسلیغات و جلوه های طاغوتی حکومت شاهنشاهی نیز روی دیگر سکه بود.

معلمها به روشهایی که ما بتوانیم درک کنیم در سخنان خود، یا با نقل داستان، این مقاصد را اعمال می کردند. در آن زمان، جشنهای طاغوتی برگزار می شد که دانش آموزان باید در آن شرکت می کردند؛ اما مسئولان مدرسه ما تلاش فراوان می کردند و بچه های مدرسه را به آن جشنها نمی بردند. مرحوم برهان نیز دافعه عجیبی نسبت به فرهنگ غرب و حکومت شاهنشاهی داشت.

می توان گفت تربیت یافتگان مدارس مرحوم برهان، از سرمایه های انقلاب هستند. در حقیقت، آن مرد بزرگ بدون اینکه بداند در آینده، انقلاب اسلامی صورت می گیرد و به پیروزی می رسد، نیروی اسلامی تربیت کرده بود. شش ساله بودم که دست در دست پدر بزرگ، برای ثبت نام به مدرسه مرحوم برهان رفتم. به مدرسه که رسیدیم آیت الله برهان نیز حضور داشت. رفتار و استقبال ایشان به گونه ای بود که من بعد از ثبت نام با آرامش و آسودگی در مدرسه ماندم.

مدرسه، زیر نظر آن مرحوم اداره می شد و همه معلمها را نیز خود ایشان انتخاب می نمود. در اولین جلسه ای که آیت الله برهان در کلاس حضور یافت، سوره حمد را به ما یاد داد و آن قدر حوصله به خرج داد تا آن را کاملاً حفظ کردیم. در آن مدرسه، پرورش، بیش از آموزش اهمیت داشت و بچه ها تحت نظر معلمان نیک

اسلامی و نقش ایشان در انقلاب اسلامی (تدوین حمید گرمی پور، تهران، مرکز اسناد انقلاب اسلامی، تهران، ۱۳۸۰).

ایشان به مسئله موعظه
تقید داشتند و هر شب پس
از نماز، مردم را موعظه
می کردند. به یاد دارم که
می گفتند انسان به موعظه
نیاز دارد؛ یا باید موعظه
بکند یا موعظه بشود. هر دو
در آدم مؤثر است

الله حاج شیخ حسین لنکرانی رحمته، در کنار
قبر حوا به خاک سپرده شد. مرحوم حاج
شیخ محمد شریف رازی که سالیان
متمادی در امور تربیت طلاب با او
همکاری داشت و جزوه «برهان ما» را در
فقدانش به طبع رسانده است، می نویسد:
«در مرگ آیت الله برهان، مردم خیابان
خراسان و لرزاده و دیگر نقاط تهران،
چنان گریستند که کم تر دیده شد. قصاید
بسیاری در فقدانش سروده شد. «عاش
سعیداً و مات حمیداً»^۲

و دلسوز به خوبی پرورش یافتند.
بحمد الله تا به حال هر کدام از
شاگردان آن مدرسه را که می بینم آنان را
متدین و معنوی می یابم. نماز خواندن
آقای برهان به گونه ای بود که برای همه
جاذبه داشت. ایشان صدای بسیار
گیرایی داشتند و به قدری متواضع
بودند که یک ساعت پیش از نماز،
دستشوییهای مسجد را پاک می کردند.
همه افراد بی دین و بی قید نیز مجذوب
ایشان شده بودند»^۱

رحلت غم انگیز

سرانجام آن عالم وارسته برای
انجام فریضة حج رهسپار بیت الله
الحرام شد و در مکه، تمامی اعمال و
مناسک حج را به خوبی به پایان رساند
و در همان سرزمین مقدس از دار دنیا
رحلت فرمود. ابتدا فکر می کنند شاید
سکته کرده باشند؛ چون آن روزها در
مکه، امکاناتی نبود، به همین دلیل او را
به جده می رسانند؛ اما دکترها می گویند
که وفات یافته است.

پیکر پاکش در نیمه ذی الحجه

۱۳۷۸ قمری حدود سال ۱۳۳۹ شمسی

پس از انجام نماز توسط حضرت آیت

۱. خاطرات حجت الاسلام انصاریان، ص ۲۳،

۲۴ و ۳۲، با تلخیص.

۲. برهان ما، محمد شریف رازی.